

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

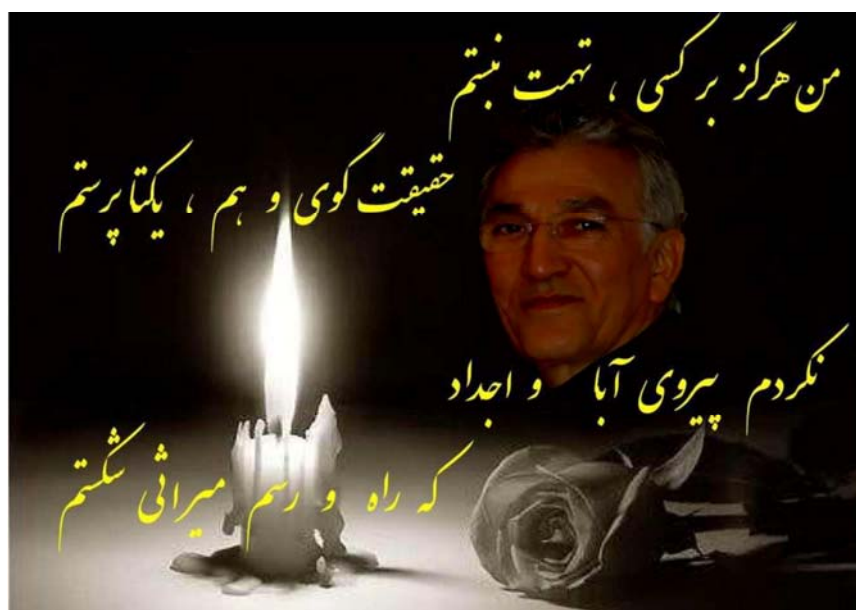
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۱ دسمبر ۲۰۱۸



اظهار سپاس

که جان رودم از کف گه سر پردم از تن
از عقل گریزانم، وز عشق به سامانم...
عنقای سبکبالم، در قاف و فاساکن
بر ظاهر و برنوری، بر خالق و بر فکرت
از نازی و مستوره، زرمینه و آرامش
از هروی و پیرو، جواد و از عبدالله
بصیره و سهیلا، بر عاطفه و عظیم
رؤیای سخن پرداز، از هیچ، گپی میساز
پوران! ز تو ممنونم، بر زینت مضمونم
خواهان وصال تو بنشسته به خون باشد
فرزانگی عاشق، در بند جنون باشد
پرواز پر عشقم، تدبیر شگون باشد
برنادر و بر جاهد، شادی قُزُون باشد
پائیز و هم از مه تاء، نابود ظُنُون باشد
رسولی و از واحد، بدبین، زبون باشد
تکبیر و درودم از، اندازه برون باشد
با (بوره)، (نمک) انداز، از اهل فنون باشد
از شمس رقم کردی، «نعمت» به سکون باشد

انطهاس

که جان رَوَدَم از کف، که سر پَرَدَم از تن
 از عقل گریزانم، و ز عشق به سلامم
 عنقای سبکالم، در قافِ وفا ساکن
 بر غا هر و بر نوری، بر خالق و بر کفرت
 از نازی و مستوره، ز زمینه و آرامش
 از هر وی و پیرو، جواد و از عباده
 بصیره و سهیلا، بر عاطفه و عظیم
 رویای سخن پرداز، بر هر چه، کپی میاز
 پوران! ز تو مَسْنُونم، بر زینت مضمونم
 خواهان وصال تو، بشته به خون باشد
 فسرزائی عاشق، در بندِ جنون باشد
 پروازِ پرِ عشقم، تدبیرِ شگون باشد
 بر نادر و بر جاهد، شادیِ مُنُون باشد
 پائیز و هم از مه تا، نابود طُنُون باشد
 رسولی و از واحد، بدین، زبون باشد
 تکبیر و درودم از، اندازه بیرون باشد
 با (بوره)، (نمک) انداز، از اهل قون باشد
 از شمس رقم کردی، «نعمت» به سکون شد